مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی ، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۵جلد۱، ص۷-۱

http://www.jisc.ir

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال دوم)
شماره ۵ / پاییز ۱۳۹۵ / ص ۷-۱

کندکاوی در آموزش و پرورش فراگیر و مسائل پیش روی آن

لقمان عزیزی [۱]، جواد جهان [۲]، افشین فتحی [۳]، مهران شیخمرادی [۴]

[۱] دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهیدرجایی، کرمانشاه. ایران.

[۲] دکترای برنامه ریزی درسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی، کرمانشاه، ایران.

[۳] دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهیدرجایی، کرمانشاه. ایران.

[۴] دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهیدرجایی، کرمانشاه. ایران.

نام نویسنده مسئول:

لقمان عزیزی

چکیده

عدالت یکی از آرمانهای تمام جوامع بشری است. به نظر می رسد که یکی از اسای ترین راهکارها برای دستیابی به عدالت همه جانبه، تسهیل در دسترسی همگان به آموزش و پرورش فراگیر به عنوان تحول در نظام آموزشی می باشد. هدف از برقراری آموزش فراگیر، جست و جو و درک نیازهای آموزشی برای همه دانش آموزان است. با این وجود تمرکز این نظام تحولی برای دانش آموزانی است که نسبت به طردشدگی و محرومیت آسیب پذیرند یا نیاز به آموزش ویژه دارند. متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که یک نظام آموزشی مبتنی بر جداسازی افراد بر اساس ناتوانی و نقایص آنها، باعث سوق دادن این افراد به انزوا طلبی می شود. شکاف های حاصل از این نوع آموزش نه تنها دانش آموزان با نیازهای ویژه را از ارتباط با دانش آموزان عادی محروم می سازد بلکه به شناخت نادرست آنها نیز منجر می شود؛ بنابراین توجه به آموزش فراگیر و برنامه ریزی برای اجرای آن ضرورتی انکار ناپذیر است و بدیهی است که انجام این هر چه زودتر آغاز شود تا این دانش آموزان برای زیستن در جامعه عادی سازگاری بهتری داشته باشند. در این میان سهم زیادی از مسائل مربوط به این رویکرد تحولی به آگاهی معلمان و دانش آموزان از این امر تخصص می یابد. این مقاله با روشی مروری به بررسی تعریف، مفاهیم و مزایا و موانع و مشکلات پیش روی آموزش فراگیر می پردازد و در پایان با توجه به محتوای مقاله و مطالب گرداوری شده پیشنهاداتی در جهت اجرای مناسب آموزش فراگیر ارائه می گردد.

واژگان کلیدی : آموزش و پرورش، آموزش فراگیر، مزایا، موانع و مشکلات.

مقدمه

آموزش و پرورش بستر توسعه انسانی است و توسعه انسانی کلید توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. دست اندرکاران حکومتی و رهبران فکری جامعه باید بر این نکته باور داشته باشند و برای رسیدن به برنامه توسعه انسانی برنامه ریزی صحیح و علمی، هدفدار و اقدامات عملی انجام دهند. (علیرضایی،۱۳۸۵)

براساس دیدگاه یونسکو یادگیری در قرن حاضر بر چهار ستون استوار است:

یادگیری چگونه زیستن، یادگیری با هم زیستن، یادگیری چگونه انجام دادن، یادگیری چگونه آموختن، (ملکی،۱۳۹۳)

لازم است دانش آموزان راه و رسم درست زندگی کردن در اجتماع به عنوان یک شهروند کارآمد را یاد بگیرند. همچنین مهارتهای زندگی را فراگیرند و شیوه درست و صحیح آموختن را یاد بگیرند. برای آنکه دانش آموزان با نیازهای ویژه به مهارت با هم زیستن دست پیدا کنند باید زمینه تعامل بیشتر آنها را با همسالان عادی فراهم کنیم. در این راستا رویکرد آموزش فراگیر در حال اجرا است. در این رویکرد گروه هایی از دانش آموزان با نیازهای ویژه از جمله کودکان دیر آموز، آسیب دید بینایی و آسیب دید شنوایی و ...در مدارس عادی و در کنار هم سالان خود تحصیل می کنند (آموزش و پرورش استثنایی،۱۳۹۳)

آموزش فراگیر نمایانگر چالش و تغییری تاریخی در نگرش نسبت به نوع انسان است که با تکیه بر الگوی اجتماعی از تفاوت های فردی در بین دانش آموزان دفاع می کند. هدف از فراگیر سازی، اطمینان حاصل کردن از این موضوع مهم است که تمام افراد از حقوق، فرصت ها و پذیرش برخوردارند. (میسون و دایزر،۱۹۹۴)

همانطور که گفته شد یکی از مولفه های چهار گانه آموزش در یادگیری ((باهم زیستن)) است. تکیه بر تفاوت های فردی باعث جداسازی کودکان در آموزش یادگیری می شود ولی با تاکید بر تکالیف آموزشی و انعطاف پذیری آن دانش آموزان با نیازهای ویژه می توانند در کنار همسالان عادی خود به تحصیل ادامه دهند. (استابس ۲۰۰۸)

در سال های اخیر نظام آموزش و پرورش ایران تلاش های برای پیوستن دانش آموزان استثنایی یا دانش آموزان با نیازهای ویزه به کلاسهای عادی، به منظور فراهم کردن فرصت های برابر، بدون توجه به متفاوت بودن آنها انجام شده است. در این مسیر اهداف آموزشی فراگیر تاحدی تحقق و بنیان های مقدماتی جهت تغییر در نظام آموزشی پایه گذاری شده است و چالشهای نو پدیدار شده است. (ویلیامز،۱۹۹۸، ترجمه به پژوه و همکاران،۱۳۸۶)

جای دهی مناسب دانش آموزان با نیازهای ویژه در کلاس های عادی نیازمند تغییرات و فراهم سازی امکانات و مناسب سازی فضاست (نیگلماتوف،۲۰۱۴) و در اجرا با موانعی روبه رو است که در ادامه به برسی این موانع می پردازیم.

تعاریف آموزش فراگیر

رویکرد آموزش فراگیر به دنبال آنست که تمامی کودکان ودانش آموزان را صرف نظر از تفاوت ها و سطح توانمندی ها تحت پوشش آموزش مناسب و موثر قرار دهد. آموزش فراگیر مبتنی بر فلسفه ای است که توانایی ها و نیازها را بعنوان مقوله ای طبیعی فرض کرده و به جامعه فرصت مسئولیت پذیری می دهد تا بسوی یادگیری و رشد کل جامعه حرکت کنند (یونسکو،۲۰۰۱)

آموزش فراگیر بر این عقیده استوار است که مردم در جوامع مختلف بصورت فراگیر کار می کنند. به این معنی که آنها در جوامعی متشکل از نژادها، مذاهب، آرمانها و آرزوها و ناتوانی ها و توانمندی های مختلف زندگی می کنند؛ بنابراین کودکان باید در محیط های مشابه، آن چه در آینده زندگی خواهند کرد، آموزش ببینند و به بزرگسالی برسند، بر همین اساس کودکان داری کم توانی ذهنی هستند نیز نیاز به داشتن تجربه لذت بخش از زندگی که شرایطس را دارند که با عدم تضمین عزت نفس، وقار و خود اتکایی آنها شده و شرکت فعال آنها در جامعه را تسهیل می کند. (کاکا جویباری، هوسپیان،۱۳۸۰)

آموزش فراگیر عبارتند از تلفیق کامل دانش آموزان با توانایی های گوناگون در همه جنبه های تحصیلی که دیگر دانش آموزان عادی قادر به دسترسی و لذت بردن هستند (لورمن و همکاران/به پژوه و خانزاده، ۱۳۹۱)

تاریخچه آموزش فراگیر در جهان

یکی از الزامات اجرای آموزش فراگیر تعهدات و توافقات بین المللی است. در سال ۱۹۹۰ میلادی جلسه ای در تایلند با عنوان (آموزش برای همه) با حضور نمایندگان آموزش و پرورش ۱۵۵ کشور و با همکاری چند یازمان بین المللی برگزار شده. هدف این جلسه در ۱۰ بند برا. وردن نیازهای اساسی یادگیری. شکل گیری بینش گسترده تر نسبت به آموزش همگانی، ترویج برابری بهرمندی از آموزش و ... عنوان شده است. در سال ۱۹۹۴ با حضور نمایندگان نظام آموزشی و پرورذشی ۹۲ کشور و ۲۵ سازمان بین المللی در کنفرانس جهانی آموزش در اسپانیا

((موضوع در آموزش افراد دارای نیازهای ویژه در چارچوب آموزش و ایجاد فرصت هاتی آموزش برابر برای دانش آموزان استثنایی و حق دسترسی آنها به مدارس عالی)) مورد توافق قرار گرفت.

در سال ۲۰۰۰ وزارای آموزش و پرورش جهان در جلسه ای در سنگال بر افزایش پیشینهٔ سطح پوشش تحصیلی و برخورداری همه کودکان از آموزش عمومی و یادگیری مهارت های زندگی توافق شد و کشورها متعهد شدند زمینه اجرای همه مفاد توافق نامه را تا سال ۲۰۱۵ فراهم کنند. (یونسکو ۲۰۰۰)

تاریخچه آموزش فراگیر در ایران

آموزش فراگیر در سال ۱۳۸۵ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. براساس این مورد به مسئولیت ارزشیابی طرح آزمایشی برعهده پژوهشگاه مطالعات اموزش و پرورش گذاشته شده است.

طرح آموزش فراگیر از آغاز سال تحصیلی ۸۶-۸۷ در هفت استان کشور (تهران-خوزستان-فارس-همدان-کردستان-مازندران-هرمزگان) برای مدت سه سال آغاز و در سال بعد در سراسر کشور توسعه یافت و با استقبال قابل توجه روبه رو شد.

به منظور کیفی سازی روند اجحرای طرح مذکور، دو شیوه نامه اجرایی و بخشنامه های لازم، جهت اجرایی هماهنگ و قانونمند طرح در استانها تعبیه شده. کمیته برنامه ریزی در سطح حوزه ستادی تشکیل گردید و همایش یک روزه جهت توجیه مسئولان آموزش و پرورش برگزار شده. در این زمینه کتاب های تالیف شده مدرسان جهت برگزاری دوره آموزشی توجیه می شدند و دورهای آموزش ضمن خدمت طراحی و سپری گردید. از دیگر اقدامات انجام شده در سالهای اخیر می توان به تشکیل کمیته اجرایی در سطح استان و منطقه، ارزیابی تشخیص اولیه و تخصصی و شناسایی دانش آموزان با نیازهای ویژه، تحصیص معلم مرجه جهت پشتیبانی تخصصی از دانش آموزان و خانواده های آنان، تدارک تجهیزات توان بخشی، مناسب سازی فضای آموزشی و تشکیل کلاس های جبرانی و ... طراحی و برگزاری مسابقات و اردوهای علمی و فرهنگی به منظور ایجاد روابط دوستی و تعامل متقابل بین دانش آموزان، نیازهای ویژه و عادی و نظارت بر فعالیت مدارس اشاره نمود. (سعیدی ۱۳۸۸، ضیایی ۱۳۸۸)

پیشینه مطالعات آموزش فراگیر

آموزش تلفیقی بعنوان پیش درآمد آموزشی فراگیر، اولین بار در کشور اسکاندیناوی مطرح و بعدها در آمریکا و اروپا اشائه یافت (کالبرگ، ۱۹۸۰)

زیگلر و هوداب (۱۹۸۷) اعتقاد دارند که از اوخر دهه ۱۹۶۰ نهضت عادی سازی پایه گذاری شده. این مفهوم، زیر بنای اصلی رشد خدمات انسانی و اجتماعی برای دانش آموزان با نیازهای ویژه بود.

احمدی و آهنگری (به نقل از سلیمان کابینی مقدم،۱۳۸۸) تلاش کرده اند تا از نظرات معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش استثنایی در خصوص طرح فراگیر مطلع شوند در این گزارش مشخص شده است که این طرح می تواند از طرف عده ای از دانش آموزان در طول دوره تحصیلی جلوگیری کند اما این کارشناسان بر این اعتقاد بودند که جامعه برای پذیرش طرح آموزش فراگیر نیاز به فرهنگ سازی و تبلیغات مناسب دارد.

هورمن بی (۲۰۱۲، به نقل از محمد عاشوری،۱۳۹۲) اخیرن مهمترین مسئله عمومی که توجه دولت های مختلف را به خود جلب کرده است، آموزش این دانش آموزان با نیازهای ویژه و نیازهای ویژه آموزشی آنان است.

جدول ۱-مقایسه آموزشی عادی، یکپارچه، ویژه و فراگیر در یک نگاه استابس (۲۰۰۸)

آموزش عادی	آموزش یکپارچه
به مشابه قطعاتی چوبی چهار گوش برای حفره های چهار گوش.	تغییر در کودک نامتناسبا سیستم آموزشی عمل می کند.
دانش آموزان عادی	نظام آموزشی به همان وضعیت قبلی باقی می ماند.
معلمان عادی	باید دانش آموزان انطباق یا باید اخراج شود.
مدارس عادی	

آموزش ویژه به مشابه قطعات چوبی برای حفره های گرد. دانش آموزان با نیاز ویژه معلمان ویژه مدارس ویژه	آموزش فراگیر نظام آموزشی انعطاف پذیر همه دانش آموز می توانند یاد بگیرند تغییر در نظام آموزشی به منظور متناسب سازی با کودک و ارزشگذاری به تفاوت هاست.

مشکلات و موانع پیش روی آموزش فراگیر

۱-نارسایی شیوه های رایج: واضح است که شیوه های تدریس و برنامه های رایج بشدت نارسا هستن. برای درک این موضوع کافی است نگاهی به نیازهای کودکان و نوجوانان آسیپ پذیر که میتعد انزوا هستند بیاندازیم (میحل،۲۰۰۸)

معلمان دانش و مهارت لازم برای آموزش دانش آموزان با دامنه گسترده از نیازهای خاص را ندارند (لوییس،۲۰۰۸)

۲-مشکل تامین و سازماندهی آموزشی: دانش آموزانی که سابقه رویارویی با موانع آموزشی را داشته اند، در بیشتر مواقع فرصت ادامه تحصیل تا دبیرستان را از دست می دهند. تمهیداتی که به منظور ادامه حمات های لازم بعد از اتمام دوره ابتدایی در نظر گرفته شده است به هیچ عنوان در خور نیازهای موجود آنان نیست (میچل،۲۰۰۸)

۳-عوامل اجتماعی-اقتصادی: بدیهی ترین موقعیت های شکست در نظام آموزشی وجود نابرابری و کمبود ها در نظام آموزشی در مناطقی مشاهده می شود که دارای پایین ترین سطح خدمات اولیه هستند (میچل،۲۰۰۸)

۴-نگرشها: عملکردهای منفی در مقابل تفاوت ها از یک سو و تعصبات در جوامع از سوی دیگر به شکل موانعی بر سر راه پیشرفت آموزشی عمل می کنند. والدین دانش آموزان با ناتوانی اظهار می کنند که معلمان آموزش عادی که نمی خواهند دانش آموزان با ناتوانی تلفیق شوند سعی می کنند آنها را بترسانند و یا اطمینان دهند که این تجربه ناموفق است. (میچل،۲۰۰۸)

۵-برنامه های درسی: آشکاراست که برنامه های درسی نتوانسته اند به نیازهای گروه وسیعی از دانش آموزان با ناتوانی پاسخ دهند. اکثریت قریب به اتفاق مراکز آموزشی فضای کافی برای بسیاری از دانش آموزان را ندارند. بویژه دانش آموزانی که دارای ناتوانی جسمی هستند. (میچل،۲۰۰۸)

۶-توسعه نامناسب و از هم گسیختگی منابع انسانی: نیاز به اجرای کار آموزشهای پرسنل در تمام رده ها به طور مناسب براورده نمی شود کمبود یا عدم وجود دوره های کارآموزی و ظرفیت های ناچیز فرصت های آموزشی برای کلیه افراد متعلق به مراکز خدماتی جامعه به ویژه مراقبین و والدین کاملا مشهود است. (میچل،۲۰۰۸)

مزایای آموزش فراگیر

۱-وجود الگوی مناسب رشد (دانش آموزان همسال و عادی)

۲-امکان مقایسه عملکرد دانش آموزان با ناتوانی به الگوی رشدی مناسب و جهت گیری به سوی ارتقای مهارت های متفاوت آنان از سوی معلم

۳-امکان بهره گیری از توان بالقوه همسالان عادی برای آموزش و ارتقای مهارت های دانش آموزان با ناتوانی

۴-زمینه سازی پذیرش بهتر دانش آموزان با ناتوانی در متن جامعه با تغییر نگرشی و فرهنگ سازی در محیط مدرسه که در آینده به ایجاد جامعه فراگیر منتفی می شود.

۵-توسعه و ارتقای آگاهی، مهارت و انعطاف پذیری عملکرد معلمان در جهت تلاش به منظور رغع نیازهای ویژه ناشی از تفاوت های دانش آموزان (کاروال و فورنس،۲۰۰۰)

۶-دسترسی معلمان و متخصصات به منابعی که برای تمام دانش آنش آموزان سودمند و مناسب است.

۷-معلمان فنون تدریس را فرا می گیرند و دانش آموزان از کاربرد آنها سودمند می شوند.

۸-آگاهی معلمان از تفاوت های فردی در تمام دان آموزان

۹-افزایش عزت نفس کودکان عادی و دچار نارسایی

۱۰-کودکان عادی در برخورد با دانش آموزان کم توان، پذیرش بهتری پیدا می کنند.

موانع و مشکلات اجرا آموزش پرورش فراگیر در ایران

در سالهای گذشته خانم بنگر در استان مازندران پژوهشی را به منظور درک موانع اجرایی آموزش فراگیر در ایران انجام دادند. گروه نمونه در این پژوهش ۱۲۸ معلم بود.۶۴ معلم عادی و ۶۴ معلم استثنایی، با توجه به نتایج این پژوهش موانع و مشکلات اجرا شده در آموزش فراگیر در ایران به شرح زیر است:

۱-عدم حمایت مدیران و مسئولان آموزش از معلمین.

۲- فقدان تخصص لازم در معلمین.

۳- نامناسب بودن و یا محدودیت آموزش معلمین در پیش و ضمن خدمت.

۴- عدم توانایی کنترل نظم کلاس.

۵- کمبود وقت در کلاس.

۶- نگرانی در مورد نحوه ارزشیابی مدیر از معلم و درصد قبولی

۷- واکنش دانش آموزان عادی و والدین آنها

۸-فقدان و محدودیت مهارتهای اجتماعی و سازش مناسب در دانش آموزان دارای نیازهای ویژه.

۹- واکنش دانش آموزان استثنایی.

با توجه به موارد ذکر شده پیشنهاداتی برای حل این مشکلات و رفع موانع ارائه می گردد

۱-تدارک دوره های ضمن خدمت تخصصی برای معلمین عادی و استثنایی با محوریت روشهای یادگیری فعال و آموزش کودک دارای نیازهای ویژه در کلاس عادی.

۲-این دوره ها یک بار برای همیشه نباشد بلکه در سطوح مختلف تدریس و طراحی شوند تا بازخورد مناسب از تجربه معلمین در کلاس همراه داشته باشد.

۳- تأکید بر تعریف محدد از ارزشیابی مستمر و تکوینی.

۴- برنامه های ضمن خدمت و پیش از خدمت مدیریت رفتار و مدیریت کلاس در مراکز تربیت معلم که از آن طریق به ادارات آموزش و پرورش و مدارس جاری شود.

۵-تعریف جدید از مدیریت و ابعاد و وظایف آن در مدرسه.

۶- بررسی نکات تاریک در مدیریت مدارس در وضعیت کنونی برای درک راهکار های احتمالی در آینده.

۷- طراحی کلاس ها، همایشها و میزگردهای تخصصی و علمی آموزشی با شرکت همزمان معلمین عادی و استثنایی.

۸- امکان برقراری جلسات شورای آموزگاران مشترک بین مدرسه عادی همجوار و یا یک مدرسه عادی و استثنایی همجوار.

۹- اصلاح قوانین آموزش.

۱۰- جهت دادن آموزش خانواده مدارس عادی و استثنایی به سوی لزوم فراگیر سازی به زبان عملیاتی.

نتیجه گیری

آموزش فراگیر فرایندی پویا است که به طور مداوم براساس بافت محیطی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار گیرد. آموزش فراگیر در اندیشه توانمند سازی خانواده ها، محله ها و نظام ها و ساختاری است که با تبعیض مبارزه می کنند. به تنوع ارج می دهد، مشارکت را ارتقا می بخشد و بر موانع یادگیری و مشارکت همگانی غلبه می کنند. هدف اصلی آموزش فراگیر اینست که دانش آموزان با نیاز های ویژه به شاد زیستن و سازگاری مطلوب دست یابند و به جامعه احساس تعلق کنند. در این اجتماعی و ارتباطی در بافت طبیعی جامعه بپردازند. به منظور تحقق اهداف آموزش فراگیر هکاری با همکاران به مفهوم گسترده، یعنی مشارکت متخصصان، معلمان و والیدن در آموزش و پرورش امری ضروری است. چرا که فراگیر سازی به ارزشهای آموزش، پرورش، اجتماعی و نیز به درک ما در مورد ارزش افراد مربوط می شود.

در ایجاد یک محیط یادگیری فراگیر، مشارکت یک اصل بنیادی مدرسه تقسیم می شود که در آن مسئولیت آموزشی به یادگیرندگان متفاوت در میان اعضای گوناگون مدرسه تقسیم می شود. ساختارهای سازمانی و مشارکتی از انسجام، کارگروهی، مسئولیت پذیری و هدفمندی حمایت می کند، بنابراین، حمایت خانواده ها؛ و برداتشن گامهای اساسی در جهت تحقق اهداف آموزش فراگیر اهمیت بسزایی دارد و تحولی نوین در نظام آموزشی و برقراری عدالت اجتماعی ایجاد می شود

منابع و مراجع

[۱] بررسی نگرش و نگرانی های معلمان عادی و استثنایی مقطع ابتدایی غرب استان مازندران نسبت به آموزش فراگیر، مزگان بنگر

[۲] سعیدی، اب. الفضل (۱۳۸۸) کاستی های روش شناسی در پژوهشهای مربوط به آموزش تلفیقی و فراگیر سازی، نشریه تعلیم و تربیت استثنایی.

[۳] ضیایی، سوسن (۱۳۸۸) طرح آموزش فراگیر از تصویب تا اجرا. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی.

[۴] ویلیامز، فیلیپ (۱۹۸۸). فرهنگ توصیفی کودکان استثنایی (ویراست دوم) ترجمه احمد به پژوه، حمید علیزاده، فریبا یادگاری و مجید یوسفی لویه (۱۳۸۶)

[۵] کاکا جویباری، علی وهوسپیان، آلیس (۱۳۸۰). مبانی فلسفه آموزش فراگیر تهران، پژوهشکده کودکان استثنایی

[۶] لورمن، تیم، دپلر، هاروی، دیوید (بی تا). آموزش فراگیر: راهنمای عملی در حمایت از یادگیرندگان با توانایی های گوناگون. به پروژه، احمد و خانزاده، عباسعلی حسین (مترجمان ۱۳۹۱). چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه

[۷] یونسکو (۲۰۰۰) عمل به تعهدات جمعی مصوب اجلاس جهانی آموزش و پرورش، داکار، سنگال (ترجمه دفتر همکاری های عملی بین المللی، وزارت آموزش و پرورش،۱۳۸۰)

[۸] کابینی مقدم، سلیمان و سیاحی، علی و خلخالی، علی. بررسی زمینه های توسعه آموزشی فراگیر و موانع اجرایی آن. شماره ۲ سال اول، پاییز ۱۳۸۸.

[۹] عاشوری، محمد. از عادی سازی تا آموزش فراگیر. تحولی در نظام آموزشی. شماره ۴ سال سیزدهم، ۱۳۹۲، پیاپی ۱۱۷

[۱۰]علیرضایی، مریم (۱۳۸۵). جایگاه هویت ملی و دینی در کتب دوره متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند

[۱۱]ملکی، حسن (۱۳۹۳). سی مهارت زندگی ویژه نوجوانان و جوانان. تهران: انتشارات آییژ

[۱۲]سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور (۱۳۹۲) شیوه نامه اجرایی آیین نامه آموزش و پرورش تلفیقی-فراگیر کودکان با نیازهای ویژه. مصوبه هشتصد و پنجاه و چهارمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش.

[13] Nigmatov, z.G(2014).Humanitarian.technologies of inclusive education.social and behavioral scinces, 156,156-159.

[14] Mason, M.reiser, R. (1994). altogether better.

[15] London:charity projects renaissance group. (1999)

[16] Stubbs, s. (2000). inclusive education: where there are few resources. Oslo, Norway.

[17] Lewis, I. (2008) INCLUSIVE EDUCATION, where there are few resources. Oxford: Atlas Alliance.

[18] Zigler, E & Hodapp, M (1987). The developmental I am plications of in Tegrating Autistic, in D

[19] Cohen, A.M. Donnellan & R. Paul (Eds), hand book of Autism and pervasive Developmental Disorders, new York: john wiley & sons, Inc.

[20] Karvale, A & FORENSS, R. (2000). History, rhetoric and reality Analysis of the inclusion de bate.

[21] Mitchell, D(2008). What really works in special and inclusive education? ruledye Taylor & Francis Group. London and New york.

[22] Borg, G: Hunter, J: Sigurjon sdottir, B & Alessi, S (2011). KEY PRINCIPLES FOR PROMOTING QUALITY IN INCLUSIVE EDUCATION